

پیش درآمدی بر شرکت احتمالی مادر تخصصی توزیع نیروی برق کشور

یکی از پیش نیاز های جدی برای شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق؛ تهیه و تصویب نقشه راه غلطان این شرکت تا چشم انداز ۱۴۰۴ می باشد. در این چشم انداز؛ برنامه زمان بندی و مدل جداسازی مدیریت از مالکیت؛ بستر سازی برای امکان برون سپاری فعالیتها؛ کوچک سازی و مدل اقتصادی اداره توزیع و چگونگی مشارکت دهی بخش خصوصی تعریف میگردد.

مهندس سعید مهذب ترابی: بعد از تشکیل شرکت مادر تخصصی نیروگاه های حرارتی؛ در محافل مدیریتی و کارشناسی وزارت نیرو؛ ازاراده جدی وزارت نیرو خصوصا شخص آقای وزیر بر تشکیل شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق کشور نقل وقولهای مختلفی مطرح و پیش بینی میگردد این شرکت مادر تخصصی نیز به زودی اعلام موجودیت نماید.

از آنجا که قطعا هر گونه تصمیم گیری در تغییر ساختار صنعت زیر بنایی برق مستلزم در نظر گرفتن سهم همه عوامل تاثیر گذار و ذینفعان آن است و پیش بینی میگردد که تصمیم گیران این تغییرات؛ برآورد های لازم را از تبعات این تغییرات ساختاری داشته و بر اساس آن تصمیم گرفته اند لذا در این مقاله به چند و چون درستی و تبعات این تصمیم گیری ها پرداخته نمی شود و فرض را بر تائید اجرای تصمیم فوق گذاشته و در مورد چگونگی اداره و مدیریت شرکت احتمالی مادر تخصصی توزیع نیروی برق کشور پیش درآمدهایی را مطرح میگردد.

اصولا صنعت توزیع نیروی برق به لحاظ ماهیت شکلی و تاثیر گذاری مردمی مستقیم خود؛ از بخشهای بسیار مهم خدماتی کشور است که در صورت ایجاد ساختاری توانمند و خصوصی می تواند در بهبود چرخه اقتصاد انرژی کشور نقش افرینی جدی و موثری داشته باشد.

این بخش از صنعت برق در يك قرن اخير شاهد گستره ترين تغييرات ساختاري بوده و از ساختاري كاملا خصوصي تا ساختاري كاملا دولتي را نيز تجربه کرده است. علیرغم اصلاحات و تغییرات متعدد ساختاری که در طول يك سده اخير در بخش توزیع صنعت برق صورت گرفته است؛ متأسفانه نه تنها هیچ تحلیل مدونی در مورد دلایل موفقیت و یا عدم توفیق عملکردی هر يك از ساختارهای قبلی صورت نگرفته؛ بلکه به نظر می رسد این تغییرات ساختاری بدون هیچ نقشه راه و یا راهبردی منطبق بر سیاستهای کلی کشور؛ ادامه نیز داشته باشد.

از آنجا که چشم انداز ۲۰ ساله کشور با افق سال ۱۴۰۴ و منویات اصل ۴۴ قانون اساسی؛ فصل الخطاب تمام برنامه های راهبردی در کشور است. تهیه و تدوین يك نقشه راه دقیق و واقعی مبتنی بر راهبرد برنامه های فوق می تواند پاسخگویی متناسبی برای بخش توزیع برقی باشد که علیرغم وجود ظرفیتهای مناسب؛ با محدودیتهای زیادی از قبیل افزایش توقعات اجتماعی، پراکندگی و گستردگی تأسیسات، عملکرد غیراقتصادی، عدم سرمایه گذاری متناسب با نیاز واقعی بخش فوق، تلفات انرژی غیراستاندارد و عدم رشد تکنولوژیک و فن آوری و نرم افزاری متناسب با علم نوین جهانی، رشد فزاینده مصرف انرژی الکتریکی؛ فرآیندهای سیاسی مداخله کننده در تصمیم سازی های صنعت برق و بحث کیفیت برق در ارائه خدمات و صدها بحث دیگر، مواجه است.

ضمناً در صورت جهت گیری و هدف گذاری مناسب و با پیش‌بینی لازم در نقشه راه فوق؛ تصور اشتباه منشاء پولی و اعتباری داشتن وجود نارسایی‌ها در بخش توزیع را به تفکر استفاده بهینه از امکانات و سرمایه‌های موجود تبدیل نماید. یکی از متغیرهای لازم در نقشه راه بخش توزیع نیروی برق تا ۱۴۰۴ سال؛ لزوم تغییرات ساختاری با رویکرد خصوصی سازی هوشمند این صنعت زیر بنایی است.

۱- وضعیت ساختاری کنونی:

شرکتهای فوق براساس مفاد قانون استقلال شرکتهای توزیع استانی مصوب ۱۳۸۴ مدیریت و اداره می شوند. در این شرایط؛ ۴۰ درصد از سهام شرکتهای فوق متعلق به شرکت توانیر بوده و ۶۰ درصد از سهام متعلق به به شرکت صبا می باشد. بر اساس ساختار تکلیفی قانون فوق؛ وزارت نیرو باید به نحوی برنامه ریزی می نموده است که ظرف مدت سه سال بعد از استقرار قانون فوق؛ سهام شرکتهای فوق به فروش برسد به نحوی که میزان سهام غیردولتی بیشتر از ۵ درصد نگردد.

۲- شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق

یکی از پیش نیاز های جدی برای شرکت مادرتخصصی توزیع نیروی برق، تهیه و تصویب نقشه راه غلطان این شرکت تا چشم انداز ۱۴۰۴ می باشد. در این چشم انداز؛ برنامه زمان بندی و مدل جداسازی مدیریت از مالکیت؛ بستر سازی برای امکان برون سپاری فعالیتها؛ کوچک سازی و مدل اقتصادی اداره توزیع و چگونگی مشارکت دهی بخش خصوصی تعریف میگردد. ضمناً تشکیل یک شرکت رگلاتوری با شخصیت فرا سازمانی برای تنظیم روابط مالی و تعرفه ها بسیار ضرورت دارد.

ضمناً به نظر میرسد با توجه به تفاوتهای فاحش درآمدی - هزینه ای و متغیرهای تاثیرگذار بر آنها؛ از قبیل ترکیب درآمدی بخش های مختلف مصرف؛ تلفات؛ قدمت شبکه ها؛ روند توسعه؛ ترکیب نیروی انسانی؛ شرایط فنی بالادستی و حتی سطح انتظارات و توقعات جامعه و ذینفعان مرتبط؛ در آینده ای نزدیک امکان واگذاری شرکتهای ویرای هراستان به صورت مجزا فراهم نیست و باید در فاز اول؛ با به صورت بلوکی کشوری و یا در قالب بلوکهای منطقه ای تاحدودی همسان شده؛ فرایند واگذاری سهام صنعت توزیع به بخش خصوصی صورت پذیرد (مشابه کشور المان) و در هر صورت برای اداره و مدیریت متوازن بخش توزیع؛ شرکت مدیریت و مهندسی توزیع به صورت سهامی (با ساختاری مشابه شرکت بورس انرژی) و طایف بنگاه داری بخش توزیع برق را با طی فرایندها و ایجاد ویژگیهای زیر بر عهده گیرد.

۱- حداقل تا انتهای برنامه ششم توسعه؛ به منظور اطمینان بخشی از تاثیر فرایند های تاثیر گذار اجتماعی

شرکت توانیر ویا هر مجموعه ای مرتبط با وزارت نیرو؛ دارای یک کرسی در هیات مدیره این شرکت
هائشند(مشابه کشور فرانسه)

۲- مابقی سهام(سهام صبا و سهم توانیر) در هر منطقه ترکیب شده توزیع؛ به صورت سهام ترجیحی؛ بلوکی
محدود و عرضه عمومی با نسیتی که حداقل تا انتهای برنامه ششم سهم هر قسمت بیشتر از ۵۰ درصد
نشود(چه واسطه ای و چه بدون واسطه).

۳- اهلیت ساختاری و فرایندی و مدیریتی متقاضیان سهام بلوکی توسط قانون تعریف میگردد.

۴- وزارت نیرو جایگاه حکومتی و تنظیم کننده روابط ذینفعان را برعهده دارد. این وظیفه کاملاً حکومتی بوده و بار
مالی تصمیمات و دستورات احتمالی در نظر گرفته و تامین می نماید

۵- شرکت فوق می باید در یک برنامه زمانی مشخص؛ نسبت به جدا سازی بخش بازرگانی توزیع برق از بخش
سیمداری اقدام و بسترسازی لازم برای برون سپاری را فراهم نماید.

۶- امکان عرضه سهام بخش توزیع در بورس در قالب یک برنامه زمانی مشخص فراهم گردد.

۷- منطق مالی و خرید و فروش برق در شرکت فوق بر اساس شرایط حاکم بر بازار بورس انرژی و قوانین
و مقررات و تنظیمات مربوطه است و اجرای هر دستوری حاکمیتی که بار مالی داردمنوط به پیش بینی منابع
واقعی و تامین آن توسط مراجع دستور دهنده است .

۸- شرکت های خدماتی خصوصی و صلاحیت دار؛ وظایف بخشی و تخصصی شرکت فوق را در نقاط مختلف
انجام می دهند.

۹- نظام حاکم بر مدیریت این شرکت؛ نظام حاکم بر قانون تجارت می باشد.

۱۰- این شرکت یک نوع شرکت هلدینگ و انسجام دهنده است که ساختاری غیردولتی داشته و عمدتاً و وظیفه
ارتباطات برون سازمانی بخش توزیع را هماهنگ می نماید.

۱۱- نرخ خدمات در بخش توزیع؛ به صورت منطقه ای- رقابتی مشخص و تحت کنترل قرار میگردد.

همانگونه که عنوان گردید بدون وجود یک نقشه راه مدون و انعطاف پذیر که در آن برنامه ها؛ راهبردها و جایگاهها
بخش توزیع تبیین شده باشد؛ امکان توسعه ساختاری بخش توزیع برق کشور فراهم نیست و پیشنهاد میگردد به

لحاظ تاثیر اجتماعی این بخش؛ از هرگونه عجله ؛مناقشه وسلیقه و رکود زنی معمول ساختاری برای این بخش جدا خود داری گردد و هر برنامه اجرایی براساس راهبرد کلانی باشد که قبلا درباره ان فکر شده است.

*سعید مهذب ترابی- مدیر عامل شرکت مهندسی قدس نیرو و ورثیس انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی ایران